

دو ساعت گفتگوی بی پرده با شاپور بختیار

مقدمه
 آقای دکتر بختیار، همانگونه که می دانید مشوریه راه آزادی، در چهارچوب سیاست همدلی خود برای انعکاس بی پرده همه جانبه و روشن مسائل مربوط به ایران و جمهوری ایران، از شما برای انجام این مصاحبه دعوت به عمل آورده است. فاکتور در مصاحبه های خود با شخصیت های سیاسی و اجتماعی، با هزاره گوشه گرفته این همه عوامل را با همراهی طرح کنیم و پاسخ مصاحبه شوندگان را به نصرت خوانندگان بگذاریم.
 از همین رو در این مصاحبه های ما همواره این جنبه از برخورد به مسائل، جای اصلی را اشغال می کند. تا فرواقع جزئیة نظر از سوانح سیاسی، اقوام و شخصیت ها با آنها به گفتگوی می نشینیم. آنها را در جزئیات متوالان قرار می دهیم که در انگار خصوصی و در میان اپوزیسیون، برآورد آنها مطرح است. در این مصاحبه هم تلاش می کنیم همه مسائلی که در رابطه با شما در میان اپوزیسیون وجود دارد و یا در انگار عمومی گفته می شود و یا حداقلین شما معنی آن می کنند را به صورت سوال مطرح کنیم این با خوانندگان ما است که در باره پاسخ های شما داوری کنند.

اوضاع ایران و جمهوری اسلامی

راه آزادی: نظر شما در باره تحولات اخیر در حاکمیت و درگیری های درون آن چیست و تحول رژیم را در چه سمتی می بینید؟

ش. بختیار: جمهوری اسلامی از ابتدا بنیاد گذاری اش بر اساس يك منطق و دکتورین نبود و همه چیز به میل و اراده خمینی بود. حالا هم به میل و اراده سه - چهار گروه دیگر هست که یکیشون زورش امروز زیاده تره یکی زورش قردا زیاده تره می شود و این تضادها ذاتی این رژیم است. در زمان خمینی با وجود يك «قانون اساسی» مجبور شدند «شورای تشخیص مصلحت» را درست کنند و یا خمینی می گفت اگر لازم باشد مردم نماز نخوانند، خوب نخوانند. این تضاد نشانه فکر مغشوش آدمی است که می خواهد به هر قیمتی حرفش را به کرسی بنشاند. یا شما این قانون اساسی را که خودتان همه کارش را کرده اید قبول می کنید، در آن صورت باید احترام بگذارید، یا اینکه قبول نمی کنید، در این صورت نمی توانید بگویید قانون اساسی را هرکس اجراء نکند مؤاخذه می شود. این وضعیت ا.ر.م. در همان ملکث نیمه لائیک و وضعیتی که ایران در ادوار مختلف داشت، سابقه ندارد. البته متاسفم بگویم که در پنجاه سال گذشته، در کشور ما بیش از حد اعتدال تظاهر به اسلام و تظاهر به مسجد سازی و به آخوند بازی شد. در زمان محمد رضا شاه این وضعیت بیشتر به چشم می خورد.

اما بعد از مرگ خمینی، سران رژیم باید در جهت را مد نظر داشته باشند. یکی اینکه خمینی به هودلیل اعتباری پیدا کرده بود که قسمتی از آن ناشی از خطاهای رژیم گذشته بود. يك قسمتی هم مربوط به آن بود که خمینی شخصیت قوی داشت که آخرتد های دیگر از آن برخوردار نبودند. درست است که این مرد یکی از مضر ترین، ضد ایرانی ترین، ضد فرهنگ ایرانی ترین فردی است که تاریخ ما بیاد دارد. ولی در عین حال باید گفت که وی شخصیتی داشت که هیچکدام از بازماندگان او ندارند. حالا کوردانندگان امروز از يك طرف مجبورند حتی

برای حفظ ظاهر حرمت او را حفظ کنند و از حرف دیگر بظواهر نیاز های اقتصادی و مالی دریچه ای به غرب باز کنند. به صارت دیگر آنها هم باید خودشان را از خمینی جدا کنند، در عین اینکه نشان می دهند پیرو او هستند. بقول تاریخ نویسی ها که می گویند:

"Epoco Tourista, Epoco artista" گاه اینطوریم، گاه آنطوریم. این فقط برای این است که بر مسند صدارت، وزارت و رهبری قرار بگیرند. حالا تقسیم شده اند به معتدل ها و تند رو ها در زمان خمینی اینطور نبود. شخصیت او مافوق این دو گروه بود. خمینی با هوش تر از این بود که نداند کورویی ها و این آقای رئیس جمهور فعلی رفسنجانی و امثال او از نظر مادی آدم های فاسدی هستند. ولی حرمت امامزاده یا متولی است. اگر می خواست بگوید که داخل این ها هم آدم های فاسد هستند، تمام بنیاد ولایت فقیه و فقه و روحانیت و غیره از هم پاشیده می شدند. حالا که خمینی نیست هرکسی می گوید امام این را فرمودند و دیگری میگوید نصیر شما درست نفهمیدید. در زمان محمد رضا شاه هم يك پروه زمانی کوتاهی بود در جریان انتخابات. علم می گفت من درکم از گفته های اعلیحضرت بیشتر و بهتر است و اقبال می گفت نه خیر اقا شما به اندازه من نمی فهمید، من اشتائیم بیشتر از شماست و گفته های او را طور دیگری تفسیر می کرد. حکایت آن و آن است که طلبه ها توی سر و کله هم می زدند.

راه آزادی: به هر حال شما چشم انداز را چه می بینید؟ جمهوری اسلامی به کدام سر می رود؟

ش. بختیار: من چشم انداز سیاست جمهوری اسلامی را تیره و تار می بینم. این سیاست ها نه ایران را نجات می دهند و نه به سمت يك چهارچوب دموکراتیک و ملی حرکت می کنند. این يك ارزیابی بر پایه برخورد بیطرفانه و با در نظر گرفتن واقعیات و اطلاعات موجود است. یا آخوندها در ایران نمی توان يك کشور متمدنی و منطبق با حقوق بشر و دموکراسی به وجود آورده، این با حضور آخوند ها سازگار نیست. البته نمی توانم بگویم که چه و چه می

شود زیرا همه عناصر لازم را برای چنین پیش بینی در اختیار ندارم و در نتیجه ارزیابی من از حد فرضیات فراتر نمی رود.

شمار انتخابات آزاد

راه آزادی: حالا شما با چنین ارزیابی از وضعیت رژیم چگونه شماره انتخابات آزاد را به میان می کشید. آیا رژیم با این ویژگی ها می تواند تن به چنین انتخاباتی بدهد؟

ش. بختیار: من در باره این رژیم دارای هیچ توهمی نیستم. نگاه کنید به آخرین گزارش آقای گالیندو پل در رابطه با سفرش به ایران. تا آنجا که من خوانده ام درباره وضعیت حقوق بشر مسئله بسیار روشن است. اینها نمی توانند آزادی به ایران بدهند. برای اینکه آزادی یعنی دموکراسی، یعنی عدم دخالت در زندگی مردم و... من از طرح این شعار دو هدف داشتم: هدف اول من این بود که اگر شما مدعی رعایت آزادی ها و تمام اصول اخلاقی هستید، خوب بگذارید مردم حرفشان را بزنند و رأی خود را بدهند. منظورم البته این تیرد که رئیس جمهور یا پادشاه، یا مجلس مؤسسان انتخاب کنید (به هر حال آدم بایستی در مبارزه تاکتیک داشته باشد. من اطمینان دارم که اینها نمی توانند آزادی بدهند. زیرا دادن آزادی بویاز ازین بردن خویشان و آتش زدن به خویشان است) حتی این در شرایط پذیرفتن ولایت فقیه و چهارچوب آن ممکن نیست. همانطور که بازرگان خواست در این چهارچوب کار کند و نتوانست (من هیچوقت شمارم این نیست که در حال حاضر در ایران انتخابات بشود. گو اینکه معتقدم تا انتخابات آزاد نشود ما به هیچ جا نمی رسیم. تازه وقتی هم که بشود هزار اشکال خواهیم داشت. نباید تصور کرد که فردا جامعه ما جامعه سوئد می شود و یا قشرهای روشنفکر و دموکراتیک دست به دست هم می دهند و حب و نفس های کوچک را کنار می گذارند. متأسفانه من تجربه تلخ خورم را دارم و بعد از سی سال معتقدم سستیابی به اینها خیلی خیلی بعید است (اما به هر حال باید رژیم را به يك ترکیبی خلع سلاح کرد) باید اینها را در صحنه بین المللی افشاء کرد. من در مجلس